



شورای عالی حوزه
مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران
حوزه علمیه فاطمه الزهرا (س)
شهرستان شیراز

پایان نامه سطح 2 (کارشناسی)

موضوع :

اثبات امامت خاصه حضرت

علی (ع)

استاد راهنما :

سرکار خانم میرزایی

استاد داور :

آقای طلعتی

پژوهشگر :

زهرا محمد قاسمی

تعمیدیه:

حمد و ستایش خدای متعال را که هستی او
اول است بی آنکه آن را اول و ابتدایی باشد
و آخر است بی آن که آن را آخر و انتهایی باشد.
آن ذاتی که دیده بینندگان از دیدنش قاصر
است و فهم و اندیشه توصیف کنندگان از
وصفش عاجز.

با تشکر از

تمامی عزیزانی که مرا در

ارائه این پژوهش یاری رساندند

از جمله استاد گرامی و ارجمند

سرکار خانم میرزایی

چکیده

مسئله رهبری و ولایت امت اسلامی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از مهمترین مسائل جامعه اسلامی به شمار می رود و همچنین به گواهی تاریخ اولین اختلاف مهم مسلمانان پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله مسئله جانشینی ایشان بوده که باعث اختلاف و جدایی شیعه و سنی شده است. و همانگونه که بر هر مسلمانی واجب است در زمینه خداشناسی و معاد تحقیق کند، تحقیق در بحث امامت و جانشینی پیامبر نیز ضروری است چرا که اثبات این موضوع که چه کسی لایق ترین فرد برای جانشینی پیامبر بوده است سبب اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر بین مذاهب و علی الخصوص شیعه و سنی خواهد شد و همچنین پاسخی خواهد بود به شبهات برخی شبهه افکن در زمینه ولایت حضرت علی علیه السلام.

از جمله اهداف این پژوهش بررسی اثبات امامت خاصه حضرت علی علیه السلام است و سعی شده علاوه بر مفهوم امامت و اصول یا فروع بودن امامت و عظمت و فلسفه وجودی امام، به ادله های عقلی برای اثبات امامت علی علیه السلام و همچنین بیان کلی روش های اهل سنت در انتخاب امام و ویژگی های امام و در مقابل نظرات شیعه در رابطه با ویژگی های اول و روش تعیین امام و سپس به ادله های نقلی که شامل آیات و احادیث در روایات است، پرداخته شود

سوگند! این یاری و مواسات است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای جبرئیل! همانا او از من و من از اویم. جبرئیل عرض کن من از شما دو نفرم.^۱

ابورافع می گوید: چون روز احد فرا رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله به جماعتی از قریش نظر کرد و به علی علیه السلام فرمود، بر آنان حمله کن. حضرت علی علیه السلام بر آنان حمله نمود و در این میان هشام بن امید فخرومی را کشته و جماعت آن را متفرق کرد، باز حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به چند نفر از قریش نظر افکند و به حضرت علی علیه السلام فرمود: به آنان حمله کن حضرت بر آنان حمله ور شد و جماعتشان را متفرق ساخت و فلان شخص جمعی را به قتل رسانید، باز رسول خدا صلی الله علیه و آله به چند نفر دیگر از قریش نظر کرد و به علی علیه السلام فرمود: بر آنان حمله کن، حضرت بر آنان حمله کرده و جماعتشان را متفرق ساخت و یکی از قبیلۀ بنی عامر بن لوئی را به قتل رسانید، جبرئیل به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد، این همان مواسات و یاری رساندن است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: همانا او از من و من از اویم، جبرئیل عرض کرد: من از شما دو نفرم ای رسول خدا.^۲

۲- حجه الوداع

حبشی بن جناده که در حجه الوداع حاضر بوده است. می گوید: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که در آن روز می فرمود: علی از من و من از علی هستم و کسی به جز او دین مرا برپا نخواهد کرد»^۳

۳- به نقل از عمر بن خطاب

بخاری به سندش از عمر بن خطاب نقل کرد که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رحلت نمود در حالی که از او-علی علیه السلام -راضی بود، و خطاب به او فرمود: «انت منی و انا منک؛ تو از من و من از تو هستم».

۲-۴- دلالت حدیث

با تأملی در جمله «علی من و انا من علی» با مضامین مختلف که رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است؛ خصوصاً با قراین و سیاقی که برای حدیث وجود دارد به چند نکته پی خواهیم برد.

۱- حضرت علی علیه السلام همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله ولایت دارد، و کارهای او همانند کارهای رسول خدا صلی الله علیه و آله است و همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله حق تصرف در امور به جهت «ولایت» دارد، حضرت علی علیه السلام نیز این حق تصرف را دارد. «علی منی»

۲- ممکن است که حدیث فوق اشاره به حدیث «نور» باشد که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «من و علی از یک نور آفرید شده ایم». یعنی نور حضرت علی علیه السلام از نور من و نور

۱ - همان، ص ۸۰.

۲ - همان، ص ۸۵.

۳ - همان، ص ۸۶، به نقل از فوائد السطین، ج ۱، ص ۵۸.

۴ - همان، ص ۸۸، به نقل از مسند احمد، ج ۴، ص ۴۳۸.

من از حضرت علی علیه السلام است و هر دو یک حقیقت در دو کالبدیم. لذا اعتراض بر او اعتراض بر من است و به همین جهت کسی حق ندارد بر حضرت علی علیه السلام اعتراض نماید.^۱

۳- ولایت و حق سلطه او از ولایت و سلطه رسول خدا صلی الله علیه و آله سرچشمه می گیرد و ولایت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز از ولایت خداوند نشأت گرفته است. خداوند متعال می فرماید: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا»^۲؛ خداوند سرپرست مؤمنین است...» و درباره ولایت پیامبرش می فرماید: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»^۳؛ پیامبر سزاوارتر است به مؤمنان از خودشان» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در روز غدیر خم فرمود: «من كنت مولاه فعلي مولاه؛ هر که من مولای اویم پس علی مولای اوست»^۴

۱ - آیه الله حاج سید محمد، طهرانی، امام شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۲۴۳.

۲ - سوره بقره، آیه ۲۵۷.

۳ - سوره احزاب، آیه ۶.

۴ - آیه الله حاج سید محمد، طهرانی، همان، ص ۲۴۴.

نتیجه گیری

مسئله امامت و رهبری تنها یک مسئله دینی نیست بلکه مجموعه جهان آفرینش و تکوین را بال و پر خود گرفته است و خداوند بزرگ، امام کل جهان هستی و مجموعه های مختلف آن است و همه آن را رهبری و هدایت و تدبیر می کند.

دانشمندان اهل سنت ویژگی های واحدی را برای شرط امامت ندارند، گروهی قرشی بودن و علم و تدبیری را شرط دانسته اند و گروهی دیگر عدالت و سلامت و شجاعت را. اما از نظر اندیشمندان شیعه امامت جایگاه رفیعی دارد و او هم حافظ شریعت و پاسخگوی تمام دنیا نیازهای دینی امت است و شرایطش کم و بیش شبیه شرایط و صفات پیامبران است که مهمترین آنها علم خدادادی و عصمت و فضیلت و منصوص بودن است.

بنابراین با توجه به قاعده لطف و لزوم افضل بودن امام بر دیگران و وجود نص بر تعیین امام که از مهمترین دلایل عقلی اثبات امامت حضرت علی علیه السلام به شمار می روند تنها علی علیه السلام لایق امامت امت اسلامی بوده، چرا که هیچکس در زهد و تقوا و علم و عبادت و شجاعت به پای او نمی رسید.

در قرآن نیز آیات بسیاری همچون آیه تبلیغ و آیه ولایت «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» و اولی الامر و اکمال الدین و... مستقیم و غیرمستقیم به امامت علی علیه السلام اشاره شده است و از جمله دلایل نقلی محکم و محکمه پسندی است که امامت خاصه حضرت علی علیه السلام را به اثبات می رساند.

امامت ایشان علاوه بر آیات قرآن کریم در روایات نبوی همچون حدیث وزارت «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» و حدیث منزلت «وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِ صَلَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَارُونَ أَخِي صَلَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَشَدُّ بِهِ أَزْرِي صَلَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي» و حدیث غدیر «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» نیز به روشنی بیان نشده است. همانگونه که آیات متضمن نص خداوند بر ولایت علی علیه السلام اند روایات نیز بیانگر نص پیامبرند و به روشنی این حقیقت را آشکارا می سازند که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در زمان حیات خود بارها و به تعبیر گوناگون بر وصایت و جانشینی علی علیه السلام تاکید ورزیده اند به گونه ای که هیچ شک و تردیدی برای کسی که از سر انصاف و جویای حقیقت باشد باقی نمانده است و ناگفته نماند که معرفی علی علیه السلام از سوی پیامبر رأی شخصی نبود، بلکه ابلاغ رسالتی است که خداوند برعهده ایشان نهاده است.

منابع و مآخذ

- * قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، قم، فاطمه الزهرا(س)، ۱۳۸۷.
- * دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، مشهد، نورالمبین، ۱۳۸۷.
- ۱- اصفهانی، راغب، المفردات، بی جا، کتاب، ۱۴۰۴.
- ۲- بحرانی، ابن میثم، رستگاری در پرتو امامت، تهران، سلسله، ۱۳۷۹.
- ۳- حسینی کهلائی، سیدنعمت الله، دسته گل سال علی(ع)، قم، عصر انقلاب، ۱۳۷۹.
- ۴- دستغیب، سید محمد هاشم، امام و ولایت، قم، نور، ۱۳۸۲.
- ۵- حسکانی، حاکم ابوالقاسم عبیدالله، شواهد التنزیل، ج ۱، بی جا، چاپ و نشر، ۱۳۸۰.
- ۶- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۳، تهران، دانشگاه، ۱۳۷۷.
- ۷- ربانی گلپایگانی، علی، درآمدی بر شیعه شناسی، تهران، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۸- رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی (ع)، ج ۳، قم، مرکز نشر و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۹- سبحانی، جعفر، کاوشهایی پیرامون ولایت، قم، امام صادق، ۱۳۸۰.
- ۱۰- _____، منشور جاوید، ج ۹، قم، امام صادق، ۱۳۸۳.
- ۱۱- سماوی، شیخ مهدی، امامت در پرتو کتاب و سنت، ترجمه حمید رضا آژیر، مشهد، پرتوهای اسلامی، ۱۳۷۸.
- ۱۲- شیروانی، علی، ترجمه و شرح کشف المراد، ج ۲، قم، دارالعلم، ۱۳۸۳.
- ۱۳- شیخ مفید، الارشاد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳.
- ۱۴- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۵، قم، نشر اسلامی، ۱۳۸۶.
- ۱۵- طهرانی، حضرت آیه الله حاج سید محمد حسین، امام شناسی، مشهد، علوم و معارف، ۱۳۷۵.
- ۱۶- عزیزی، عباس، علی از زبان استاد شهید مطهری، قم، سلسله، ۱۳۸۰.
- ۱۷- قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۱۲، تهران، درسهایی از قرآن، ۱۳۷۵.
- ۱۸- قرشی، علی اکبر، قاموس نامه، ج ۴، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۷.
- ۱۹- قمی، شیخ عباس، فیض الغدیر، قم، نور، ۱۳۷۵.
- ۲۰- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، بی جا، بی نا، ۱۳۷۲.
- ۲۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲، بیروت، دارالحیاه، ۱۴۰۳.
- ۲۲- محمودی، استاد شیخ محمد باقر، المعیار الموازنه، تهران، نی، ۷۴.
- ۲۳- محمدی، کلام اسلامی، قم، اندیشه، ۱۳۸۳.

- ۲۴- مصباح یزدی، محمد تقی، در پرتو ولایت، قم، اسلامی، ۱۳۷۹.
- ۲۵- مصطفی، احمد، ناصر، معجم الوسیط، بیروت، موسسه تاریخ عربی، ۱۳۷۶.
- ۲۶- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۴، تهران، ۱۳۸۶.
- ۲۷- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، حدیقه الشیعه، قم، انصاریان، ۱۳۸.
- ۲۸- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۹، مشهد، دارالعلم، ۱۳۷۵.
- ۲۹- _____، تفسیر نمونه، ج ۹، تهران دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۱.
- ۳۰- میانجی، سید ابراهیم، آیین زندگی در پرتو سیره و کلام معصومین، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۸۰.
- ۳۱- میرتاج الدینی، سید محمد رضا، سیمای امام علی (ع) در آینه قرآن، قم، نورالسجاده، ۱۳۸۰.
- ۳۲- موسوی، محب الاسلام، ولایت در پرتو آیات، قم، نود، ۱۳۸۱.
- ۳۳- واحدی، محمد تقی، ترجمه الغدیر، ج ۲، قم، کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۸۲.